



افشای حسابداری، کیفیت حسابداری، محافظه کاری شرطی و غیر شرطی

شهناز مشایخ^۱

شیوا میمنت آبادی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین کیفیت افشا و کیفیت حسابداری از دو بُعد اقلام تعهدی و محافظه کاری شرطی و غیرشرطی طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ می‌پردازد. در این پژوهش تمرکز اصلی بر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی، تأثیر کیفیت افشا بر آن‌ها و رابطه بین آن‌ها می‌باشد. جهت ارزیابی کیفیت افشا از اطلاعات حاصل از رتبه‌بندی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و برای سنجش کیفیت حسابداری از معیارهای اقلام تعهدی و محافظه کاری به ترتیب با استفاده از مدل تعدیل‌شده جونز و مدل بال و شیواکومار استفاده شد. یافته‌ها حاکی از رابطه معکوس بین کیفیت افشا و اقلام تعهدی اختیاری بود؛ اما بین کیفیت افشا و محافظه کاری شرطی و غیرشرطی رابطه معناداری یافت نشد. هم‌چنین برخلاف انتظار، در کیفیت افشای بالا بین محافظه کاری شرطی و غیرشرطی رابطه معکوس یافت نشد.

واژه‌های کلیدی: اقلام تعهدی، کیفیت افشا، کیفیت حسابداری، محافظه کاری شرطی، محافظه کاری غیرشرطی.

۱- استادیار، رشته حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران، نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات.
Shahnaz_mashayekh@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد، رشته حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

۱- مقدمه

بازار سرمایه شامل تمامی مشتریانی است که دارای نیازها و خواسته‌های مشابه بوده و برای رفع نیازها و خواسته‌های خود اقدام به مبادله و معامله می‌نمایند. سرمایه‌گذاران و سهامداران به دنبال کسب بازده و منفعت هستند و از این رو در سهام شرکت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. تصمیم‌گیری بهینه برای سرمایه‌گذاری و به بیان بهتر، تخصیص صحیح منابع کمیاب در جامعه مستلزم وجود اطلاعات مالی باکیفیت است. فقدان اطلاعات یا وجود اطلاعاتی فاقد ویژگی‌های کیفی باعث تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نامطلوب و در نتیجه اتلاف منابع اقتصادی، تخریب بازارهای سرمایه و در نهایت عقب‌ماندگی و کاهش رفاه عمومی در کشور می‌شود. در واقع، اطلاعات نیروی محرک تصمیم‌گیری است. هر اندازه میزان اطلاعات بیشتر و درست‌تر باشد، تصمیمات مناسب‌تری می‌توان اتخاذ کرد؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین عوامل در تصمیم‌گیری صحیح، اطلاعات مناسب و مرتبط با موضوع تصمیم است که اگر به درستی فراهم و پردازش نشوند، اثرات منفی برای فرد تصمیم‌گیرنده در بر خواهد داشت. از سوی دیگر نوع و چگونگی دستیابی به اطلاعات نیز حائز اهمیت است. در صورتی که اطلاعات مورد نیاز به صورتی نامتقارن بین افراد توزیع شود (انتقال اطلاعات به صورتی نابرابر بین افراد صورت گیرد) می‌تواند نتایج متفاوتی را نسبت به موضوعی واحد سبب شود؛ بنابراین ضمن اینکه کیفیت اطلاعات برای فرد تصمیم‌گیرنده بسیار حائز اهمیت است، کیفیت توزیع اطلاعات نیز باید مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد. از این رو این سؤال مطرح می‌شود که آیا کیفیت افشا اطلاعات می‌تواند بر کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی تأثیر بگذارد یا خیر؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

بنابراین چارچوب‌های مفهومی که در دهه‌های اخیر توسط مراجع تدوین‌کننده استانداردها و مبانی نظری حسابداری تبیین شده است، هدف اصلی حسابداری و گزارشگری مالی عبارت است از ارائه اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری اقتصادی توسط استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی. تدوین‌کنندگان استانداردها و مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی، اطلاعاتی را برای تصمیم‌گیری اقتصادی سودمند می‌دانند که دارای ویژگی‌های مشخصی باشند (محمدآبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). در مبانی نظری حسابداری مالی از این ویژگی‌ها با عنوان ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری یاد می‌شود. به دلیل آنکه کیفیت اطلاعات حسابداری یک متغیر کیفی می‌باشد، برای سنجش آن می‌توان از معیارهای متفاوتی استفاده نمود. اخیراً توجه محققان به بررسی سطح کیفی اطلاعات حسابداری جلب گردیده است و بنابراین هر یک معیارهای متفاوتی را برای سنجش کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده نموده‌اند. برای نمونه کول بک و همکاران^۱ (۲۰۰۵) از معیار پایداری سود، ون تندلو^۲ (۲۰۰۵) و بارت و همکاران^۳ (۲۰۰۸) از معیار مدیریت سود و احمد و همکاران^۴ (۲۰۰۹) از معیار محافظه‌کاری برای سنجش کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده نموده‌اند (ترکمان پری، ۱۳۹۱). نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات به افراد برون‌سازمانی به روشی

معتبر و به موقع است. مدیران می‌توانند از آگاهی خود درباره فعالیت‌های تجاری شرکت برای بهبود اثربخشی صورت‌های مالی به عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان استفاده نمایند. با این حال، چنانچه مدیران برای گمراه کردن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از اعمال اختیار خود در زمینه‌های حسابداری در گزارشگری مالی انگیزه‌هایی داشته باشند، احتمالاً مدیریت سود رخ دهد. مشارکت‌کنندگان بازار همیشه به دنبال اطلاعات مالی باکیفیت می‌باشند زیرا این اطلاعات عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد. مطالعات متعددی در ادبیات حسابداری وجود دارد که نشان می‌دهد دستیابی به کیفیت افشای بالاتر، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. طبق یافته‌های فرانسویس و همکاران^۵ (۲۰۰۵) سیاست افشای وسیع، سازوکاری است که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران بیرونی را کاهش می‌دهد. گلوستن و میلگرام^۶ (۱۹۸۵) رابطه بین افشای شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی را در قالب مدلی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد عدم تقارن اطلاعاتی به تناسب افزایش سطح افشای شرکتی کاهش می‌یابد. مدل‌های تحلیلی متعددی روشن ساخته‌اند که میزان مدیریت سود فرصت‌طلبانه به تناسب سطح عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می‌یابد. برای مثال دی^۷ (۱۹۸۸) و ترومن و تیمان^۸ (۱۹۸۸) به صورت تحلیلی نشان دادند که وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران یک شرط اساسی برای مدیریت سود است (نوروش و حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

یک عامل بنیادی در کشف مدیریت سود در شرکت‌ها، تخمین عامل اختیار و اعمال نظر مدیران در تعیین سود است. یکی از مهم‌ترین این رویکردها در اندازه‌گیری اختیار مدیریت، مبتنی بر کاربرد ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخصی برای تعیین و کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری است. هبلی^۹، دی آنجلو^{۱۰} و جونز^{۱۱}، طی انجام مطالعاتی در زمینه مدیریت سود، با به‌کارگیری ارقام تعهدی برای کشف مدیریت سود اقدام به ارائه مدل‌هایی کرده‌اند که در تحقیقات بعدی بارها آزمون شده‌اند (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۴).

یکی دیگر از جنبه‌های کیفیت اطلاعات حسابداری محافظه‌کاری یا احتیاط است. محافظه‌کاری در معنای عام آن ترجیح بدبینی بر خوش‌بینی در نگرش به رویدادها در شرایط ابهام است. در مفاهیم نظری گزارشگری مالی پیوست استانداردهای حسابداری ایران، درباره محافظه‌کاری چنین آمده است: «محافظه‌کاری (احتیاط) عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است، به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها و بدهی‌ها کمتر از واقع گزارش نشود» (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱: ۴۸۱). در پژوهش‌های اخیر حسابداری، محافظه‌کاری را به دو دسته تفکیک نموده‌اند.

نوع نخست محافظه‌کاری پیش‌رویدادی است که محافظه‌کاری مستقل از اخبار و محافظه‌کاری غیرشرطی نیز خوانده می‌شود. محافظه‌کاری پیش‌رویدادی از به‌کارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می‌شود که سود را بگو نه ای مستقل از اخبار اقتصادی جاری می‌کاهد. برای مثال

شناسایی بدون درنگ مخارج تبلیغات و هزینه‌های پژوهش و توسعه به عنوان هزینه حتی در صورتی که جریان‌های نقدی آتی مورد انتظار آن‌ها مثبت باشد، از این نوع است.

نوع دیگر محافظه کاری، محافظه کاری پس رویدادی یا محافظه کاری شرطی، به مفهوم شناسایی به موقع تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب در سود است. برای مثال قاعده اقل بهای تمام‌شده یا ارزش بازار، حذف سرقفلی در پی انجام آزمون کاهش ارزش و شناسایی نامتقارن زیان‌های احتمالی در مقابل سودهای احتمالی، از این نوع می‌باشند. (پای و ولکر^{۱۲}، ۲۰۰۵: ۴۳).

بعضی از سرمایه‌گذاران شامل افراد درون سازمانی مانند مدیران، تحلیل‌گران آن‌ها و موسسه‌هایی که از این افراد اطلاعات دریافت می‌کنند به اخبار محرمانه دسترسی دارند. هرچه اطلاعات محرمانه بیشتر باشد، دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام بین سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد و در نتیجه بازده سرمایه‌گذارانی که به این‌گونه اطلاعات دسترسی ندارند کاهش می‌یابد. یافته‌های تحقیقات بسیاری در دنیا موید این ادعا است. به واسطه وجود اطلاعات محرمانه عرضه و تقاضای غیرعادی به وجود می‌آید. هنگام وجود اخبار محرمانه بد، عرضه سهام زیاد می‌شود و قیمت پیشنهادی فروش نیز کاهش می‌یابد. منشأ بخش عمده‌ای از عدم تقارن اطلاعاتی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و رشد شرکت‌ها است. عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری به مدیریت امکان بیشتری برای دست‌کاری صورت‌های مالی می‌دهد. چنین فعالیت‌هایی هزینه‌برند زیرا فعالیت‌های مدیریت را از بیشینه سازی ارزش شرکت منحرف می‌کند و باعث ایجاد هزینه‌های نمایندگی می‌شود. لافوند و واتس^{۱۳} ادعان می‌کنند که کاهش قیمت سهام ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی در مدیران و سهامداران این انگیزه را ایجاد می‌کند که عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی ناشی از آن را کاهش دهند بدین منظور به گزارشگری محافظه‌کارانه روی می‌آورند. بنا به ادعان لافوند و واتس حسابداری محافظه‌کارانه عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران را از بین می‌برد. حسابداری محافظه‌کارانه می‌تواند بهترین خلاصه ممکن از اطلاعات قطعی را درباره عملکرد جاری شرکت‌ها فراهم سازد. با در نظر گرفتن انگیزه مدیریت برای بیش‌نمایی سود، احتمالاً سودهای تأیید پذیر تنها اطلاعات قطعی قابل عرضه درباره سودها است. از سوی دیگر، معمولاً مدیران تمایلی به گزارش زیان‌ها ندارند. وجود استانداردهایی مبنی بر الزام به تأیید پذیری کمتر برای شناسایی زیان‌ها، می‌تواند موجب شود اطلاعاتی که مدیران تمایلی به افشای آن ندارند، افشا شود. از این رو نتیجه خالص حسابداری محافظه‌کارانه عبارت است از فراهم ساختن اطلاعات بیشتر نسبت به وضعیتی که در آن استانداردهای حسابداری، تأیید پذیری مشابهی برای شناخت درآمدها و هزینه لازم می‌داند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت کیفیت افشای بالاتر بیانگر محافظه‌کاری بیشتر در صورت‌های مالی است (رضازاده و آزاد، ۱۳۸۷: ۶۴). انتظار می‌رود واحدهای تجاری با کیفیت افشای بالاتر، اطلاعات قابل‌اتکاتری درباره زیان‌ها، ورشکستگی مالی و سایر رویدادهای نامطلوب که در حساب‌های مالی به تصویر کشیده می‌شود و عملکرد واحد تجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارائه دهند. نتیجه این که اطلاعات با قابلیت کمتر، راحت تر قابل دست‌کاری می‌باشند و برای استفاده‌کننده سودمندی کمتری به همراه دارد و در نتیجه هم ثروت سهامداران و هم ثروت مدیران را

کاهش می‌دهد؛ بنابراین، افشای باکیفیت بالا، منجر به اعمال محافظه‌کاری شرطی بیشتر می‌شود که مرتبط با اقلامی است که تأیید پذیری بالاتری می‌طلبد و این امر محافظه‌کاری غیرشرطی را محدود می‌کند که مستقل از اخبار است و با رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت در ارتباط است. در مقابل، واحدهایی که کیفیت افشای پایین تر دارند، به احتمال زیاد به منظور دستیابی به اهداف مدیریتی محافظه‌کاری غیرشرطی بیشتری اعمال می‌کنند. برای مثال، در صورت وجود زیان افت شدید قیمت سهام، مدیر ممکن است به منظور اثرگذاری بر جریان‌های نقدی آتی، ارزش دارایی را بدون توجه به اخبار خوب یا بد آتی کاهش دهد. به علاوه محافظه‌کاری غیرشرطی ممکن است به منظور کاهش ریسک دعاوی حقوقی و دستیابی به وضعیت مالی بهتر، به ویژه زمانی که واحد تجاری آشفتگی‌های مالی را تجربه می‌کند، مورد استفاده قرار گیرد (یاتریدیس^{۱۴}، ۲۰۱۱: ۸۹).

دو نوع محافظه‌کاری اهداف مشابه زیادی دارند از جمله، حداقل کردن هزینه‌های حقوقی، مالیاتی یا قانونی و قادر ساختن قانون‌گذاران حسابداری و صنعتی به حداقل نمودن بی‌ثباتی‌های اقتصادی. محافظه‌کاری غیرشرطی ممکن است به منظور به دست آوردن شرایط بهتر تأمین مالی، تأمین اهداف سودی یا پنهان نمودن اجزای ناسازگار در اعداد مالی شرکت و تصمیمات بد اقتصادی، مطلوب باشد. کانو-رودریگز^{۱۵} دریافتند که محافظه‌کاری غیرشرطی، در مورد شرکت‌هایی با اندازه بالا، اهرم بالا و رشد پایین و مخصوصاً شرکت‌های دارای مزیقه مالی و با سطوح اعتباری پایین (خوش‌نام نیستند) وجود دارد.

همچنین در مقاله یاتریدیس (۲۰۱۱) از قول باسو^{۱۶} (۲۰۰۵) آمده است که تنها محافظه‌کاری شرطی است که می‌تواند کارایی قراردادهای بهبود بخشد، زیرا به افشای آن دسته از اطلاعات حسابداری مربوط می‌شود که تأیید پذیری آن‌ها با مشکل مواجه است. محافظه‌کاری شرطی رابطه ارزشی و سودمندی اطلاعاتی اعداد حسابداری گزارش‌شده را تقویت می‌کند بنابراین برای سهامداران، اعتباردهندگان و دیگر گروه‌گذارندگان مطلوب است؛ زیرا برای آن‌ها تصویری واضح از نقاط ضعف و قوت شرکت فراهم نموده و به آن‌ها در انجام قضاوت و انتخاب‌های سرمایه‌گذاری صحیح، کمک می‌نماید.

همان‌طور که از مباحث بالا برمی‌آید، انتظار نمی‌رود بین این دو شکل محافظه‌کاری رابطه مثبتی وجود داشته باشد و یا این دو بتوانند به عنوان جانشین یا مکمل یکدیگر عمل نمایند. یاتریدیس (۲۰۱۱) بیان می‌کند که شکل شرطی محافظه‌کاری به طور منفی با شکل غیرشرطی آن همبستگی دارد؛ زیرا اولی به بالا بردن کارایی قراردادهای منجر می‌شود، درحالی‌که دیگری، ممکن است فرصت‌طلبی مدیریتی را تسهیل نماید. محافظه‌کاری غیرشرطی، اخبار بد را مقدم داشته و ممکن است به روشی به کار گرفته شود که به اهداف مدیریتی شرکت قبل از وقوع رویداد برسد و مانع از اعمال محافظه‌کاری شرطی بعد از رویداد مثلاً بعد از تحقق یافتن پیش‌بینی اخبار منفی می‌شود. این تجزیه و تحلیل با بیان بیور و رایان (۲۰۰۵)^{۱۷} مطابقت دارد که محافظه‌کاری پیش رویدادی پیش انجام محافظه‌کاری پس رویدادی در دوره‌های بعدی است (همان منبع: ۹۳).

در این پژوهش سعی بر آن است تا تأثیر کیفیت افشا بر محافظه کاری و اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری از مدیریت سود مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۲- پیشینه پژوهش

پای^{۱۸} (۲۰۰۷) تأثیر اقلام تعهدی اختیاری بر محافظه کاری شرطی را مورد آزمون قرار داد. یافته‌ها نشان داد محافظه کاری شرطی منعکس شده در اقلام تعهدی به واسطه اجزاء غیرمنتظره اقلام تعهدی بوده و نیز رابطه معکوس بین محافظه کاری شرطی و غیرشرطی مربوط به اقلام تعهدی غیرمنتظره است. قوآنگ^{۱۹} (۲۰۰۷) به بررسی نقش اطلاعاتی محافظه کاری شرطی و غیرشرطی پرداخت. نتایج این مطالعه عنوان کرد که هر دو نوع محافظه کاری شرطی و غیرشرطی با عوامل منجر به عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی دارند و هر دو می‌توانند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند. از طرفی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند کاهش عدم تقارن اطلاعاتی فقط با محافظه کاری شرطی به طور مثبت رابطه دارد. این موضوع بیانگر این است که سرمایه‌گذاران صرفاً خواهان محافظه کاری شرطی در ارزیابی‌ها هستند و نقش اطلاعاتی محافظه کاری غیرشرطی را تشخیص نمی‌دهند. یاتریدیس (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت افشا و کیفیت حسابداری از دو دیدگاه اقلام تعهدی و محافظه کاری (شرطی و غیرشرطی) پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد، واحدهایی که کیفیت افشای بالاتری دارند، مدیریت سود پایین تری را نشان داده و محافظه کاری شرطی بالاتر و محافظه کاری غیرشرطی پایین تری را نشان می‌دهند. هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهد در کیفیت افشای بالا، محافظه کاری شرطی و غیرشرطی رابطه معکوس دارند. کردستانی و امیر بیگی لنگرودی (۱۳۸۷) به بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود به عنوان معیار محافظه کاری شرطی و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار به عنوان معیاری از محافظه کاری غیرشرطی پرداختند. یافته‌ها حاکی است بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار رابطه منفی وجود دارد و هرچه دوره برآورد معیار عدم تقارن زمانی سود طولانی‌تر شود، این رابطه منفی‌تر است. محمدآبادی و همکاران (۱۳۹۱) تأثیر محافظه کاری حسابداری بر کیفیت افشا را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد همزمان با اعمال درجات بالاتری از محافظه کاری سطح کیفی افشای انجام‌شده توسط شرکت نیز افزایش یافته است. ملانظری و شمس (۱۳۹۱) به بررسی متأثر بودن محافظه کاری شرطی از کیفیت سود و محافظه کاری غیرشرطی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد محافظه کاری شرطی در شرکت‌های مورد بررسی وجود داشته است و نیز متأثر از محافظه کاری غیرشرطی است. درحالی‌که کیفیت سود تأثیری بر محافظه کاری شرطی نمی‌تواند داشته باشد.

۳- اهمیت موضوع

یکی از پیش شرط‌های بنیادی برای کسب اطمینان سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در جهت فعالیت‌های سازنده اقتصادی، تهیه و ارائه اطلاعاتی است که در اتخاذ تصمیمات مالی و اقتصادی مفید واقع

گردند. این باور وجود دارد که هر قدر کیفیت اطلاعات حسابداری گزارش شده توسط واحد تجاری افزایش یابد، اعتماد سرمایه‌گذاران و بستانکاران به واحد تجاری بیشتر شده و ریسک اطلاعات کاهش می‌یابد. از این رو شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت اطلاعات، می‌تواند در جلب اعتماد بازار و کاهش ریسک اطلاعاتی تأثیر گذار باشد. در این مطالعه سعی بر آن است تأثیر کیفیت افشای اطلاعات، به عنوان عاملی که می‌تواند بر کیفیت اطلاعات ارائه شده مؤثر باشد، مورد بررسی قرار گیرد و از این طریق گام‌های مثبتی در راستای حفظ منافع سهامداران، بستانکاران و استفاده‌کنندگان از اطلاعات صورت‌های مالی برداشته شود.

۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: کیفیت افشا رابطه معنادار و معکوس با ارقام تعهدی اختیاری دارد.
فرضیه دوم: کیفیت افشا رابطه معنادار و مستقیم با محافظه‌کاری شرطی دارد.
فرضیه سوم: کیفیت افشا رابطه معنادار و معکوس با محافظه‌کاری غیرشرطی دارد.
فرضیه چهارم: در شرکت‌های باکیفیت افشای بالا محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی رابطه معکوس دارند.

۵- مدل‌ها و متغیرها

۵-۱- متغیرهای مستقل

۵-۱-۱- کیفیت افشا

در این مطالعه جهت ارزیابی کیفیت افشای شرکت‌ها از اطلاعات حاصل از رتبه‌بندی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده خواهد شد که این اطلاعات توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران منتشر می‌گردد. رتبه‌بندی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس بر اساس امتیاز کسب شده از نظر کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب صورت می‌پذیرد. امتیاز اطلاع‌رسانی ناشران بر اساس وضعیت اطلاع‌رسانی آن‌ها از نظر قابلیت اتکا و به موقع بودن ارسال اطلاعات محاسبه است. معیار به موقع بودن بر اساس زمان ارسال اطلاعات توسط شرکت (پیش‌بینی‌های درآمد هر سهم، صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی نشده، صورت وضعیت پرتفوی، اظهارنظرهای حسابرس نسبت به پیش‌بینی درآمد هر سهم اولیه و شش‌ماهه و صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای شش‌ماهه، صورت‌های مالی پایان دوره مالی و برنامه زمان‌بندی پرداخت سود سهامداران) در مقاطع تعیین شده در دستورالعمل افشای اطلاعات و با لحاظ نمودن میزان تأخیر در ارسال اطلاعات، مورد محاسبه قرار می‌گیرد. میزان نوسانات و تغییرات در پیش‌بینی‌های ارسال و هم‌چنین تفاوت‌های میان مبالغ پیش‌بینی شده و عملکرد واقعی حسابرسی شده، معیار قابلیت اتکا در این محاسبات می‌باشد (سازمان بورس اوراق بهادار).

۵-۱-۲- ارقام تعهدی اختیاری

آن دسته از ارقام تعهدی هستند که در ارتباط با تصمیمات مدیریت واحد تجاری قابل تغییر است، یعنی تحت تأثیر رویه و خط مشی‌های انتخابی شرکت قرار دارد. هرچه مدیریت اختیار عمل بیشتری برای

دست کاری اقلام تعهدی داشته باشد، امکان بهره‌گیری از آن‌ها برای متأثر کردن سود افزایش می‌یابد. هزینه استهلاک، درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها، سود و زیان ناشی از فروش دارایی‌های ثابت و استهلاک صرف یا کسر اوراق قرضه نمونه‌هایی از اقلام تعهدی اختیاری می‌باشند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

۵-۱-۳- محافظه کاری شرطی

محافظه کاری شرطی یا به وقوع پیوسته، محافظه کاری از دیدگاه سود و زیانی است و بدین معنی است که ارزش دفتری خالص دارایی‌ها در شرایط نامساعد کاهش می‌یابد اما در شرایط مساعد افزایش نمی‌یابد و در شناسایی سریع تر زیان‌ها نسبت به شناسایی سودها نمود می‌یابد. نمونه‌هایی از محافظه کاری شرطی، شامل قاعده اقل بهای تمام شده یا بازار برای موجودی‌ها یا به هزینه منظور نمودن مخارج تعمیر دارایی‌های ثابت مشهود است (بیور و رایان، ۲۰۰۵: ۲۷۷).

۵-۱-۴- محافظه کاری غیر شرطی

محافظه کاری غیر شرطی یا پیش‌بینی شده، محافظه کاری از دیدگاه ترانزنامه‌ای است که منعکس‌کننده تمایل به ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش بازار آن‌ها است. محافظه کاری غیر شرطی به اعمال روش‌های محافظه‌کارانه در مرحله شناخت اولیه دارایی‌ها و بدهی‌ها اشاره دارد. این نوع محافظه کاری مستقل از اخبار و اطلاعات و شرایط موجود در لحظه شناخت اولیه دارایی‌ها و بدهی‌ها بوده و فقط از الزامات استانداردها و اصول پذیرفته شده حسابداری نشأت می‌گیرد. به هزینه بردن مخارج تحقیق و توسعه، استفاده از روش‌های تسریعی استهلاک و روش اولین صادره از آخرین وارده در ارزشیابی موجودی‌ها، مثال‌هایی از محافظه کاری غیر شرطی می‌باشند (بال و شیوا کومار^۲، ۲۰۰۵: ۱۱).

۵-۲- مدل های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول مدل رگرسیونی ۱ به کار گرفته می‌شود:

(۱)

$$DAC_{i,t} = a_0 + a_1 AQ_{i,t} + a_2 AQ_{i,t} * OCF_{i,t} + a_3 AQ_{i,t} * LNA_{i,t} + a_4 AQ_{i,t} * ROA_{i,t} + a_5 AQ_{i,t} * LSFU_{i,t} + e_{i,t}$$

در این مدل AQ نشانگر کیفیت افشا، OCF نسبت جریان وجه نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها، LNA لگاریتم کل دارایی‌ها، ROA نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها و LSFU نسبت کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام می‌باشد.

DAC اقلام تعهدی اختیاری است که با استفاده از مدل تعدیل شده جونز بر اساس باقیمانده‌های مدل رگرسیونی ۲ برآورد می‌شود.

$$AC_{i,t} = a_0 (1/A_{i,t-1}) + a_1 \Delta REV_{i,t} + a_2 PPE_{i,t} + e_{i,t} \quad (۲)$$

AC نسبت اقلام تعهدی سال t به مجموع دارایی‌ها در سال t-1. اقلام تعهدی سال t معادل تغییرات سالانه در مجموع دارایی‌های جاری (به استثنای وجه نقد) منهای بدهی‌های جاری (به استثنای تسهیلات

دریافتی کوتاه مدت و مالیات بر درآمد پرداختنی) منهای استهلاک می‌باشد. A کل دارایی‌ها در سال $t-1$. ΔREV نسبت تغییرات سالانه در درآمدها در سال t به کل دارایی‌ها در سال $t-1$. PPE نسبت اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t به کل دارایی‌ها در سال $t-1$.

کیفیت افشای بالا، اطلاعات بااهمیتی در ارتباط با رفتارهای مدیریتی، فعالیت‌های واحد تجاری و ضعف یا توان واحد تجاری در اتخاذ تصمیمات اقتصادی برای استفاده‌کنندگان از اطلاعات فراهم می‌کند؛ از این رو تهیه اطلاعات باکیفیت افشای بالا باعث افزایش آگاهی استفاده‌کننده شده و مدیریت سود بالقوه را کاهش خواهد داد (یاتریدیس، ۲۰۱۱: ۹۳). بر این اساس، ضریب AQ منفی و معنادار در نتایج آزمون فرضیه، به این معنی است که شرکت‌های دارای کیفیت افشای بالا، اقلام تعهدی پایین تری به نمایش می‌گذارند و از این رو کمتر در مدیریت سود دست دارند.

به علاوه در این فرضیه پتانسیل واحدهای تجاری برای مدیریت ارقام حسابداری، به عنوان مثال گزارش سودهای کوچک به جای شناسایی به موقع زیان با استفاده از مدل زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد، به این دلیل که عدم تمایل به گزارش سودهای کوچک و شناسایی به هنگام زیان مدارکی حاکی از مدیریت سود کمتر ارائه خواهد داد.

$$AQ_{i,t} = a_0 + a_1 ROA_{i,t} + a_2 MVBV_{i,t} + a_3 TLSFU_{i,t} + a_4 OCF_{i,t} + a_5 LNA_{i,t} + a_6 SP_{i,t} + a_7 LL_{i,t} + e_{i,t} \quad (3)$$

SP و LL متغیرهای ساختگی مدل و به ترتیب به عنوان معیاری از شناسایی سودهای کوچک و شناسایی به موقع زیان می‌باشد.

به منظور بررسی رابطه بین کیفیت افشا و محافظه کاری شرطی و غیرشرطی، موضوع فرضیه‌های دوم و

سوم، از مدل رگرسیونی ۴ استفاده می‌شود:

$$DAC_{i,t} = a_0 + a_1 CFD_{i,t} + a_2 OCF_{i,t} + a_3 CFD_{i,t} * OCF_{i,t} + a_4 AQ_{i,t} + a_5 AQ_{i,t} * CFD_{i,t} + a_6 AQ_{i,t} * OCF_{i,t} + a_7 AQ_{i,t} * CFD_{i,t} * OCF_{i,t} + e_{i,t} \quad (4)$$

مدل فوق با استفاده از مدل بال و شیوا کومار به دست آمده است. متغیرهای مدل فوق به استثنای CFD همگی در مدل های پیش تبیین گردیدند و CFD عبارت است از نسبت جریان وجه نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها. در این مدل ضریب a_7 به عنوان معیار محافظه کاری شرطی در نظر گرفته شده است. مقدار مثبت معنادار برای a_7 نشان‌دهنده این است که واحدهای تجاری که کیفیت افشای بالا دارند در مقایسه با واحدهای تجاری که کیفیت افشای پایین دارند، محافظه کاری شرطی بالاتری به نمایش می‌گذارند. نیز به منظور تعیین رابطه بین کیفیت افشا و محافظه کاری غیرشرطی از متغیر $NOCF = \alpha_4 + \alpha_5 UC$ استفاده می‌شود که در پژوهش رودریگز مورد استفاده قرار گرفته است (رودریگز، ۲۰۱۰: ۲۷). α_4 ، α_5 تخمینی از a_4 و a_5 در مدل فوق می‌باشد. $NOCF$ نسبت تعداد شرکت‌هایی است که دارای کیفیت افشای بالا و جریان وجه نقد عملیاتی پایین می‌باشند. رودریگز استدلال می‌کند از آنجا که محافظه کاری غیرشرطی مستقل از اخبار است از این رو UC در جستجوی آن دسته از اقلام تعهدی است که مستقل از اخبار هستند پس UC با

محافظه کاری غیرشرطی رابطه معکوس دارد؛ بنابراین مقدار مثبت برای UC نشان می‌دهد واحدهای تجاری که کیفیت افشای بالا دارند محافظه کاری غیرشرطی پایین تری دارند. در نهایت جهت آزمون فرضیه چهارم یعنی بررسی رابطه بین محافظه کاری شرطی و غیرشرطی در واحدهای دارای کیفیت افشای بالا از مدل‌های رگرسیونی ۵ و ۶ استفاده می‌گردد:

$$\text{Rank UC}_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{AQP}_{i,t} + \alpha_2 \text{A}_{i,t} + \alpha_3 \text{TLSFU}_{i,t} + \alpha_4 \text{MVBV}_{i,t} + e_{i,t} \quad (5)$$

$$\text{Rank CC}_{i,t} = \alpha_0 + a_1 \text{Rank UC}_{i,t} + a_2 \text{AQP}_{i,t} + a_3 \text{A}_{i,t} + \alpha_4 \text{TLSFU}_{i,t} + a_5 \text{MVBV}_{i,t} + e_{i,t} \quad (6)$$

Rank UC نشانگر محافظه کاری غیرشرطی است و به صورت $\alpha_0 + \alpha_1 \text{NOCF}$ محاسبه می‌شود که α_0 و α_1 برآوردی از a و a_1 تعریف شده در معادله ۷ هستند.

$$\text{DAC}_{i,t} = a_0 + a_1 \text{CFD}_{i,t} + a_2 \text{OCF}_{i,t} + a_3 \text{CFD}_{i,t} * \text{OCF}_{i,t} + e_{i,t} \quad (7)$$

RankCC برای محاسبه محافظه کاری شرطی مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای آن a_3 از مدل فوق استخراج می‌گردد. AQP نسبتی از شرکت‌هایی است که دارای کیفیت افشای بالا هستند. A میانگین لگاریتم کل دارایی‌ها، TLSFU میانگین نسبت کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام. MVBV میانگین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام. انتظار می‌رود بین محافظه کاری شرطی و غیرشرطی در کیفیت افشای بالا رابطه معکوس وجود داشته باشد؛ بنابراین از آنجا که Rank UC با محافظه کاری غیرشرطی رابطه معکوس دارد انتظار می‌رود ضریب a_1 مثبت باشد.

۶- جامعه آماری و نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (به استثنای شرکت‌های سرمایه‌گذاری، لیزینگ، هلدینگ و بانک‌ها) می‌باشد که تا سال ۱۳۸۶ به عضویت بورس درآمده و تا پایان سال ۱۳۹۰ از عضویت بورس خارج نشده باشند. تمام جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفته و مشاهداتی که فاقد ویژگی‌های زیر بودند حذف شدند: (۱) پایان سال مالی شرکت، پایان اسفند ماه باشد. (۲) طی دوره مورد بررسی (۱۳۸۶ - ۱۳۹۰) شرکت تغییر سال مالی نداشته باشد. (۳) شرکت فعال باشد. با توجه به شرایط یادشده، در نهایت تعداد ۱۸۴ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند.

۷- روش پژوهش

به دلیل اینکه پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین کیفیت افشا و کیفیت حسابداری از دو جنبه مطرح شده در پژوهش می‌پردازد، بنابراین از نوع همبستگی با استفاده از مدل‌های رگرسیونی می‌باشد. هم چنین از لحاظ هدف، نوعی پژوهش کاربردی است و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها و یا به عبارت دیگر از

لحاظ روش پژوهش، نوعی پژوهش زمینه‌ای در حوزه حسابداری و مالی است که در آن از روابط آماری و مدل‌های ریاضی جهت بررسی و تبیین متغیرهای پژوهش استفاده می‌شود.

۸- یافته‌های پژوهش

۸-۱- آمار توصیفی

جدول ۱- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	۲۵٪	میان‌ه	۷۵٪
<i>AQ</i>	۰,۵	۰,۵	۰	۰,۵	۱
<i>OCF</i>	۰,۱۳۴	۰,۱۶۱	۰,۰۴۴	۰,۱۰۷	۰,۱۹۷
<i>LNA</i>	۱۳,۲۸	۱,۳۲۱	۱۲,۴۲۱	۱۳,۱۷۱	۱۳,۹۰۷
<i>ROA</i>	۰,۱۰۵	۰,۱۳۹	۰,۰۳۳	۰,۰۸۹	۰,۱۶۶
<i>TLFSU</i>	-۰,۱۰۹	۹۲,۸۷۵	۰,۹۸۶	۱,۶۶۶	۲,۷۵۶
<i>AC</i>	۰,۰۱۹	۰,۳۶	-۰,۰۶۷	۰,۰۰۲	۰,۰۰۹
<i>ΔREV</i>	۰,۱۰۷	۰,۳۸۴	-۰,۰۰۹	۰,۰۹۸	۰,۲۱
<i>PPE</i>	۰,۲۸۸	۰,۲۳۲	۰,۱۲۲	۰,۲۳۲	۰,۳۸۷
<i>MVBV</i>	۸,۵۸۶	۱۰۶,۵۱۱	۰,۷۹	۱,۴۲۴	۲,۶۹۴
<i>SP</i>	۰,۰۴۱	۰,۱۹۹	۰	۰	۰
<i>LL</i>	۰,۰۱۷	۰,۱۳۱	۰	۰	۰
<i>CFD</i>	۰,۱۰۸	۰,۳۱	۰	۰	۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۸-۲- آزمون فرضیه‌ها

پیش از انجام آزمون فرضیه‌ها مانایی متغیرها با استفاده از آزمون ریشه واحد دیکی-فولر مورد بررسی قرار گرفت نتیجه آزمون حاکی از مانایی تمام متغیرهای به کار گرفته شده در مدل‌های پژوهش بود. در مرحله بعد برای اطمینان از درستی آزمون، پیش‌فرض‌های مدل رگرسیون که عبارت است از آزمون مستقل بودن خطاها، آزمون ثابت بودن واریانس خطاها، آزمون نرمال بودن خطاها و متغیر وابسته و آزمون عدم خود همبستگی است صورت پذیرفت و درستی نتایج آزمون‌ها را تأیید نمود.

۸-۲-۱- نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول: کیفیت افشا رابطه معنادار و معکوس با اقلام تعهدی اختیاری دارد.

جدول ۲- خلاصه نتایج مدل رگرسیونی

متغیر	ضریب	مقدار	انحراف استاندارد	آماره t	P-Value
ثابت مدل	α_0	-۰,۰۱۳	۰,۰۱۷	-۰,۷۶	۰,۴۴۸
AQ	α_1	-۰,۲۲۹	۰,۱۹۹	-۳,۱۴۵ ***	۰,۰۰۲
AQ*OCF	α_2	-۰,۳۶۱	۰,۱۱۴	-۳,۱۷۶ ***	۰,۰۰۲
AQ*LNA	α_3	۰,۰۰۱	۰,۰۱۵	۰,۰۴۸	۰,۹۶۲
AQ*ROA	α_4	۰,۳۴۳	۰,۱۴۸	۲,۳۱۶ ***	۰,۰۲۱
AQ*TLSFU	α_5	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۳	-۰,۳۵۶	۰,۷۲۲

*** معنی‌دار در سطح ۱، ** معنی‌دار در سطح ۵ و * معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد.

r^2	r^2 تعدیل شده	انحراف استاندارد	دوربین-واتسون	آماره F	P-Value
۰,۴۱۸۷	۰,۱۵۹	۰,۳۵۶۱	۲,۳۶۹۵	۱,۹۳۵۵	۰,۰۴۳۹

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده در جدول ۲، مدل رگرسیونی معنی‌دار است. از آنجایی که رابطه بین کیفیت افشا و اقلام تعهدی از طریق ضریب متغیر AQ تعیین می‌شود، با توجه به منفی و معنی‌دار بودن ضریب می‌توان نتیجه گرفت بین کیفیت افشا و اقلام تعهدی رابطه معنادار و معکوس برقرار است بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد. نیز به منظور بررسی تمایل شرکت‌ها به مدیریت سود از طریق شناسایی سودهای کوچک یا عدم تمایل آن‌ها از طریق شناسایی به موقع زیان مدل (۳) مورد آزمون قرار می‌گیرد.

جدول ۳- خلاصه نتایج مدل رگرسیونی

متغیر	ضریب	مقدار	انحراف استاندارد	آماره t	P-Value
ثابت مدل	α_0	۰,۷۴۹۵۲۶	۰,۴۳۶۷۳۳	۱,۷۱۶۲۱۱	۰,۰۸۶۱
ROA	α_1	۲,۳۳۶۱۷	۰,۳۵۲۶۷۹	۶,۶۲۴۰۶۳ ***	۰
MVBV	α_2	۰,۰۰۰۲۸۷	۰,۰۰۰۴۵۴	۰,۶۳۲۲۰۶	۰,۵۲۷۳
TLSFU	α_3	۰,۰۰۰۲۲۴	۰,۰۰۰۶۶۶	۰,۳۳۶۸۰۱	۰,۷۳۶۳
OCF	α_4	۰,۰۹۰۴۴۱۳	۰,۲۸۱۷۵۲	۳,۲۰۹۹۵۸ ***	۰,۰۰۱۳
LNA	α_5	-۰,۰۸۵۲۹۶	۰,۰۳۲۷۲۵	-۲,۶۰۶۴۳۶ ***	۰,۰۰۹۱
SP	α_6	-۰,۱۸۵۳۱۲	۰,۲۱۵۴۶	-۰,۸۶۰۰۷۶ *	۰,۰۸۹۷
LL	α_7	۰,۴۱۷۰۴۲	۰,۳۶۰۱۱۹	۱,۱۵۸۰۶۹	۰,۲۴۶۸

*** معنی‌دار در سطح ۱، ** معنی‌دار در سطح ۵ و * معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد.

r^2	انحراف استاندارد	آماره LR	P-Value
۰,۴۶۶۴	۰,۵۰۰۲	۸۴,۷۲۶	۰

ضریب متغیر SP منفی و از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که شرکت‌های باکیفیت افشای بالاتر کمتر تمایل دارند از طریق شناسایی سودهای کوچک به مدیریت سود بپردازند. از سوی دیگر ضریب متغیر LL مثبت بوده اما از نظر آماری معنی‌دار نیست. به این معنی که شرکت‌هایی که کیفیت افشای بالاتری دارند تمایل به شناسایی به موقع زیان دارند اما این رابطه چندان معنادار نیست. از این رو می‌توان گفت رابطه معکوس بین کیفیت افشا و اقلام تعهدی که به معنی مدیریت سود کمتر می‌باشد بیشتر از منظر عدم تمایل به شناسایی سودهای کوچک قابل توضیح است تا شناسایی به موقع زیان.

۸-۲-۲- نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: کیفیت افشا رابطه معنادار و مستقیم با محافظه‌کاری شرطی دارد.

جدول ۴- خلاصه نتایج مدل رگرسیونی

متغیر	ضریب	مقدار	انحراف استاندارد	t آماره	P - Value
ثابت مدل	α_0	-۰,۰۱۸	۰,۰۲۴	-۰,۷۳۳	۰,۴۶۴
CFD	α_1	۰,۰۵۹	۰,۰۰۷	۰,۸۴۸	۰,۳۹۷
OCF	α_2	-۰,۰۷۴	۰,۱۲۲	-۰,۶۱۱	۰,۵۴۱
CFD* OCF	α_3	-۰,۴۷۱	۰,۷۰۵	-۰,۶۶۷	۰,۵۰۵
AQ	α_4	۰,۰۳۷	۰,۰۳۷	۱,۰۱۴	۰,۳۱۱
AQ * CFD	α_5	۰,۰۴۱	۰,۱۱۲	۰,۳۷	۰,۷۱۱
AQ * OCF	α_6	-۰,۰۴۱	۰,۱۷	-۰,۲۴۴	۰,۸۰۸
AQ * CFD* OCF	α_7	-۰,۱۴۱	۰,۹۴۵	-۰,۱۴۹	۰,۸۸۲

*** معنی‌دار در سطح ۱٪، ** معنی‌دار در سطح ۵٪ و * معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد

r^2	تعدیل شده r^2	انحراف استاندارد	دوربین- واتسون	F آماره	P - Value
۰,۰۲۴۷	۰,۰۱۲۹	۰,۳۵۵۴	۲,۳۶۸۴	۱,۰۹۲۳	۰,۲۱۸۶

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به آماره F و سطح معنی‌داری به دست آمده مدل رگرسیونی معنی‌دار نیست که این موضوع بیانگر عدم تأثیر کلی متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته است. با توجه به مطالب پیش گفته، ضریب a_7 نشان‌دهنده محافظه‌کاری شرطی می‌باشد. نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد مقدار ضریب a_7 منفی بوده و از نظر آماری معنادار نیست؛ بنابراین بین محافظه‌کاری شرطی و کیفیت افشا رابطه مستقیم و معنادار وجود ندارد. از این رو فرضیه دوم پژوهش تأیید نمی‌گردد.

۸-۲-۳- نتایج آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم: کیفیت افشا رابطه معنادار و معکوس با محافظه کاری غیرشرطی دارد. جهت آزمون فرضیه سوم و به منظور تعیین رابطه بین کیفیت افشا و محافظه کاری غیرشرطی از متغیر α_4 NOCF $+\alpha_5$ استفاده می شود که در آن α_4 و α_5 تخمینی از a_4 و a_5 در مدل رگرسیونی (۶) می باشند. نتایج آزمون این فرضیه به صورت زیر است:

جدول ۵- خلاصه نتایج آزمون فرضیه سوم

ضریب	مقدار	مجموع ضرایب	مقدار NOCF	$\alpha_4 + \alpha_5$
α_4	۰،۰۳۷	۰،۰۷۸	۰،۰۳۱۷	۰،۰۰۵
α_5	۰،۰۴۱			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول ۴ ضرایب a_4 و a_5 معنادار نیستند. هم چنین جدول فوق نشان می دهد اگرچه مقدار به دست آمده برای متغیر NOCF $+\alpha_4$ مثبت است اما تا حد قابل اغمازی کوچک است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت بین کیفیت افشا و محافظه کاری غیرشرطی رابطه معکوس ضعیفی برقرار است اما این رابطه از نظر آماری معنادار نیست. از این رو فرضیه سوم پژوهش تأیید نمی گردد.

۸-۲-۴- نتایج آزمون فرضیه چهارم

فرضیه چهارم: در شرکت های باکیفیت افشای بالا محافظه کاری شرطی و غیرشرطی رابطه معکوس دارند. جهت آزمون فرضیه چهارم ابتدا مدل رگرسیون ۸ را برای هر شرکت جداگانه برازش می کنیم:

$$DAC_{i,t} = a_0 + a_1 CF_{i,t} + a_2 OC_{i,t} + a_3 CFD_{i,t} * OC_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۸)$$

پس از برازش این مدل برای هر شرکت Rank UC با استفاده از متغیر $\alpha_0 + \alpha_1 NOCF$ محاسبه می شود که α_0 و α_1 تخمینی از a_0 و a_1 تعریف شده در مدل فوق می باشند. همچنین Rank CC ضریب a_3 در مدل فوق می باشد. پس از محاسبه متغیرهای Rank UC و Rank CC برای آزمون فرضیه از مدل های (۵) و (۶) استفاده می کنیم.

جدول ۶- خلاصه نتایج آزمون مدل (۵)

متغیر	ضریب	مقدار	انحراف استاندارد	آماره t	$P - Value$
ثابت مدل	α_0	۰,۰۰۰۴۶۵	۰,۰۰۳۵۸۹	۰,۱۲۹۶	۰,۸۹۷۳
AQP	α_1	۰,۰۰۱۸۶۴	۰,۰۰۰۸۸۷	۲,۱۰۱۶**	۰,۰۴۰۱
$TLSFU$	α_2	-۰,۰۰۰۰۰۴	۰,۰۰۰۰۰۴	-۰,۸۳۱۳	۰,۴۰۹۳
$MVBV$	α_3	-۰,۰۰۰۰۰۲	۰,۰۰۰۰۰۴	-۰,۵۴۱	۰,۵۹۰۷
A	α_4	-۰,۰۰۰۰۱۱	۰,۰۰۰۰۲۶۷	-۰,۴۱۱۹	۰,۶۸۲

*** معنی‌دار در سطح ۱، ** معنی‌دار در سطح ۵ و * معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد.

r^2	r^2 تعدیل شده	انحراف استاندارد	دوربین-واتسون	آماره F	$P - Value$
۰,۱۰۵	۰,۰۴۱	۰,۰۰۰۲۱	۲,۲۲۹	۱,۶۴۵	۰,۱۷۶

منبع: یافته‌های پژوهشگر

هدف از آزمون مدل رگرسیون (۵) بررسی رابطه بین محافظه کاری غیرشرطی و کیفیت افشای بالا می‌باشد. این رابطه از طریق ضریب متغیر AQP تبیین می‌گردد. از آنجا که این ضریب معنادار و مثبت است می‌توان نتیجه گرفت بین کیفیت افشا و $Rank UC$ رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. از طرفی با توجه به اینکه بین $RankUC$ و محافظه کاری غیرشرطی رابطه معکوس برقرار است پس می‌توان نتیجه گرفت بین محافظه کاری غیرشرطی و کیفیت افشای بالا رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

جدول ۷- خلاصه نتایج آزمون مدل رگرسیونی (۷)

متغیر	ضریب	مقدار	انحراف استاندارد	آماره t	$P - Value$
ثابت مدل	α_0	-۰,۳۳۹۴	۰,۶۳۶۸	-۰,۵۳۲۹	۰,۵۹۶۲
$Rank UC$	α_1	-۵۴,۲۱۹	۲۳,۷۰۹۳	-۲,۲۸۶۸**	۰,۰۲۶۱
AQP	α_2	۰,۲۷۰۶	۰,۱۶۳۴	۱,۶۵۵۹	۰,۱۰۳۴
A	α_3	۰,۰۲۹۵	۰,۰۴۷۴	۰,۶۲۳	۰,۵۳۵۹
$TLSFU$	α_4	۰,۰۰۰۰۴	۰,۰۰۰۰۸	۰,۵۰۲۱	۰,۶۱۷۶
$MVBV$	α_5	-۰,۰۰۰۰۵	۰,۰۰۰۰۷	-۰,۸۰۶۴	۰,۴۲۳۵

*** معنی‌دار در سطح ۱، ** معنی‌دار در سطح ۵ و * معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد.

r^2	r^2 تعدیل شده	انحراف استاندارد	دوربین-واتسون	آماره F	$P - Value$
۰,۱۱۹	۰,۰۳۸	۰,۳۸۹	۲,۵۱۴	۱,۴۷۹	۰,۲۱۲

منبع یافته‌های پژوهشگر

با توجه به آماره F و سطح معنی داری به دست آمده مدل رگرسیونی معنی دار نیست که این موضوع بیانگر عدم تأثیر کلی متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته است. در مدل (۶) به بررسی رابطه بین محافظه کاری شرطی و کیفیت افشای بالا و نیز رابطه بین محافظه کاری شرطی و محافظه کاری غیرشرطی در واحدهای دارای کیفیت افشای بالا می‌پردازیم. ضریب متغیر AQP بیان‌کننده رابطه بین محافظه کاری شرطی و کیفیت افشای بالا می‌باشد که با توجه به نتایج این رابطه گرچه مثبت است اما معنادار نیست. پس در کیفیت افشای بالا محافظه کاری غیرشرطی کمتر است اما نمی‌توان ادعا کرد در کیفیت افشای بالا محافظه کاری شرطی بالاتر وجود دارد. رابطه بین محافظه کاری شرطی و غیرشرطی با استفاده از ضریب a_1 به دست می‌آید. با توجه به اینکه مقدار ضریب منفی می‌باشد پس RankUC و RankCC رابطه منفی باهم دارند و چون RankUC با محافظه کاری غیرشرطی رابطه معکوس دارد پس بین محافظه کاری شرطی و محافظه کاری غیرشرطی رابطه مثبت وجود دارد. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش نیز تأیید نمی‌گردد.

۹- بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه‌گذاران جهت اخذ تصمیمات سودمند اقتصادی، نیازمند اطلاعات باکیفیت هستند. اطلاعات باکیفیت را می‌توان تحقق نیاز استفاده‌کننده با توجه به درک استفاده‌کننده معقول و خارجی تعریف نمود. در ادبیات پژوهش معیارهای متفاوتی برای کیفیت اطلاعات ذکر گردیده است. به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سایر ذی‌نفعان، طبق نظریه نمایندگی انتظار داریم مدیران اقدام به دست‌کاری سود نمایند؛ بنابراین کیفیت افشا یکی از مفاهیمی است که می‌تواند به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی کمک کند و موجب افزایش کیفیت اطلاعات ارائه‌شده گردد. به علاوه نتایج پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی تقاضا برای محافظه‌کاری افزایش می‌یابد. از این رو محافظه‌کاری نیز می‌تواند در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران تأثیرگذار باشد؛ بنابراین با افزایش کیفیت افشای اطلاعات محافظه‌کاری در صورت‌های مالی نیز افزایش می‌یابد. به علاوه بررسی رابطه بین کیفیت افشا و اقلام تعهدی اختیاری نشان داد با افزایش کیفیت افشا، اقلام تعهدی اختیاری کاهش می‌یابد. یافته‌های این فرضیه با نتایج پژوهش لوبو و زو (۲۰۰۱)، شاو (۲۰۰۳)، یاتریدیس (۲۰۱۱)، دستگیر و ناظمی (۱۳۸۶)، نوروش و حسینی (۱۳۸۸) و فخاری و هدایت تبار (۱۳۹۰) همخوانی دارد. افزایش کیفیت افشا، منجر به ارائه اطلاعات معتبر و کاهش ریسک اطلاعات می‌گردد. از این رو مدیریت سود و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی کاهش‌یافته و کیفیت اطلاعات از جنبه محافظه‌کاری افزایش می‌یابد؛ اما یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده رابطه معناداری بین کیفیت افشا و محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی نبود. در نهایت پس از بررسی رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی، رابطه معناداری به دست آمد اما حاکی از این نبود که لزوماً در کیفیت افشای بالا محافظه‌کاری شرطی بیشتر شده و مانع از اعمال محافظه‌کاری غیرشرطی خواهد شد. این نتیجه با پژوهش کردستانی و امیر بیگی لنگرودی (۱۳۸۷) هم خوانی ندارد. کردستانی و امیر بیگی لنگرودی در پژوهش خود از معیارهای عدم تقارن زمانی سود به عنوان معیار محافظه‌کاری شرطی و نسبت

ارزش دفتری به ارزش بازار به عنوان معیاری از محافظه‌کاری غیرشرطی استفاده نمودند. هم چنین یافته‌های این پژوهش با نتیجه پژوهش ملانظری و شمس (۱۳۹۰) همخوانی ندارد. آن‌ها در پژوهش خود از مدل باسو برای سنجش محافظه‌کاری استفاده نمودند؛ بنابراین می‌توان چنین اظهار داشت که دلیل مغایرت در نتایج می‌تواند تفاوت در مدل انتخابی برای کمی کردن محافظه‌کاری باشد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی رابطه بین کیفیت افشا و محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی به تفکیک ویژگی‌های کیفی قابلیت اتکا و به موقع بودن به عنوان دو معیار رتبه‌بندی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد. به علاوه، برای سنجش کیفیت افشا از امتیازهای رتبه‌بندی واحدهای تجاری به صورت تقسیم به دو دسته باکیفیت افشای بالا و پایین استفاده گردید. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از طیف پیوسته امتیازات استفاده گردد و نتایج پژوهش با پژوهش حاضر مقایسه گردد.

فهرست منابع

- ۱) ترکمان پری، زینب (۱۳۹۱)، " اثر تدوین استانداردهای حسابداری بر کیفیت اطلاعات حسابداری" پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء(س).
- ۲) رضازاده، جواد، آزاد، (۱۳۸۷)، "رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی"، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴، صص ۶۳-۸۰.
- ۳) سازمان بورس اوراق بهادار، (۱۳۹۰)، "گزارش رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب"، قابل دسترسی از طریق پایگاه اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار به نشانی <www.seo.ir>.
- ۴) فخاری، حسین، هدایت تبار، (۱۳۹۰)، "مطالعه رابطه بین کیفیت افشا و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار"، نهمین همایش سراسری حسابداری ایران، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۵) کردستانی، غلامرضا، امیر بیگی لنگرودی، (۱۳۸۷)، "محافظه‌کاری در گزارشگری مالی، رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار سنجش محافظه‌کاری"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره پانزدهم، شماره ۵۲، صص ۸۹-۱۰۴.
- ۶) کمیته فنی سازمان حسابرسی، (۱۳۸۱)، ص ۴۸۱.
- ۷) محمدآبادی، مهدی، مشایخی، میرزایی عباس‌آباد، (۱۳۹۱)، "بررسی تأثیر محافظه‌کاری و ویژگی‌های ساختاری و عملکردی شرکت بر کیفیت افشا"، پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۳، صص ۱-۲۱.
- ۸) مشایخی، بیتا، مهرانی، مهرانی، کرمی، (۱۳۸۴)، "نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، صص ۶۱-۷۴.

- ۹) ملانظری، مهناز، شمس، (۱۳۹۱)، "تأثیر کیفیت سود و محافظه کاری غیرشرطی بر محافظه کاری شرطی" پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).
- ۱۰) مهرانی، کاوه، ابراهیمی کرد لر، حلاج، (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین اقلام تعهدی غیرمنتظره و محافظه کاری در حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره هجدهم، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- ۱۱) نوروش، ایرج، حسینی، (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۵، صص ۱۱۷-۱۳۴.
- 12) Ball R & Shivakumar L. , (2005), "Earning Quality in UK Private Firm: Comparative Loss Recognition Timeliness", *Journal of Accounting & Economics* ; 39(1),PP.83-138.
- 13) Beaver W& Ryan S. , (2005), "Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and Modeling", *Review of Accounting Studies* ; 10(2/3),PP. 269-309.
- 14) Cano-Rodriguez, M. , (2010), "Big Auditors ,Private Firms and Accounting Conservatism", *Spanish Evidence, European Accounting & Economics* ; 32,PP.237-334.
- 15) Iatridis G.E. , (2011), "Accounting Disclosure, Accounting Quality and Conditional and Unconditional Conservatism", *International Review of Financial Analysis* ;20,PP. 88-102.
- 16) Pae J. , (2007), "Unexpected Accruals and Conditional Accounting Conservatism", *Journal of Business Finance & Accounting* ; 34(5) & (6),PP. 681-704.
- 17) Pae,J.Thornton and M. Welker, (2005), "The link Between Earning Conservatism and The Price to Book Ratio", *Contemporary Accounting Research*, Vol 22,No.1 , PP. 693-717
- 18) Xinrog.Qiang , (2007),"The Information Role of Conditional and Unconditional Conservatism", Working paper

یادداشت‌ها

1. Kohlbeck et al
2. Van Tendeloo
3. Barth et al
4. Ahmed et al
5. Francis et al
6. Glosten & Milgrom
7. Dye
8. Trueman & Titman
9. Healy
10. Deangelo
11. Jones
12. Pae & Welker
13. Lafond & Watts
14. Iatridis
15. Cano-Rodriguez
16. Basu
17. Beaver&Rayn
18. Pae
19. Qiang
20. Ball & Shivakumar